

# تربیت برای زندگی

مقدمه

از مهم‌ترین مباحث زندگی که در طول حیات بشر برای او مطرح بوده و هم‌ایک نیز جای پای آن در بین صاحب‌نظران و خردمندان، حتی به صورت روزمره محکم‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود، موضوع دین و معنویت است. این امر حتی در بین افرادی که پای بند به دین و ملتزم به مذهب نیستند، در قالب عرفان منشی و روی‌آوری به امور متافیزیک به چشم می‌خورد.

## دین چیست؟

در عبارتی ساده می‌توان گفت دستورالعمل زندگی است که از جانب حضرت پروردگار طراحی شده و توسط پیامبران برای سعادت و آرامش روانی مردم به آنان ابلاغ شده است. در تعریفی از دین آمده است: دین مجموعه قواعد و مقرراتی است که حافظ نظام بشر و تأمین کننده سعادت او در دو جهان می‌باشد (آیت الله مکارم شیرازی).

ماهیت و کارکرد دین، نظام بخشی به حیات فردی و اجتماعی و سازمان دهی به ابعاد حیات است. در دین سعی بر مرزدار کردن رفتار و ضابطه‌دار کردن علائق و سامان بخشی رفتار است که حاصل آن دستیابی به آرامش روانی، رضایه و مرضیه شدن انسان، قرار گرفتن در صف عباد خدا و ورود به بهشت ویژه خداوند است (آیات ۲۶ تا ۲۹ سوره حجر).

## ضرورت تربیت دینی

در این که انسان در آغاز ولادت به لحاظ اصل خلقت، جاهل است، جای بحث و سخنی نیست (قرآن و اخلاق ناصری) و او برای داشتن زندگی سالم و رسیدن به مرحله رشد و کمال مقدر باید عالم شود و در طریق و وصول به این هدف باید به آیینی و راه و رسمی پای بند گردد. اما آن راه و رسم را عقل، تجربه و آزمایش نمی‌توانند فراهم سازند، از آن بابت که این جنبه‌ها شروط لازم را دارند، ولی کفایت کننده نیستند. عقل نیروی ارزنده‌ای است، ولی نمی‌تواند گذشته را آن چنان که بود و آینده را آن چنان که خواهد بود، بشناسد و هم چنین است اشکالات وارده بر تجربه و آزمایش و نیز تفکرات فلاسفه. بنابراین، ناگزیر باید به سوی وحی روی آورد که از جانب خداوندگار هستی است و گذشته و حال و آینده برای او روشن است. ضمن آن که او ما را آفریده و از تک تک سلول‌ها و شراشر وجودی ما آگاه است. او زیرک است، ولی حسود نیست (اینشتاین) و او که خیرخواه محض و خیراندیش است، دستورالعمل حیات را با در نظر داشتن شرایط گذشته، حال و آینده ما و ملاحظهٔ وسع و ظرفیت ما تنظیم کرده و آن را از جانب سفیران معصوم و مصون از خطاها و لغزش‌ها (پیامبران) به بشر ابلاغ کرده است.

تربیتی که بر این اساس انجام شود، تربیت دینی است که مبتنی بر آموزش‌ها و پرورش مناسب از وظایف دستگاه تربیت (خانواده، مدرسه و جامعه) پرورش کوکب از همان آغاز براساس آن تعالیم و برنامه‌هاست. دادن آگاهی به آن تعالیم، ایجاد زمینه برای انس و عادت، همساز کردن ساختار وجود و کردار و رفتار کودک، ضروری حیات سعادت‌مندانه اوست و البته این کاری است که باید با رعایت تقرب و براساس وسع و ظرفیت او انجام پذیرد.

## در آموزش و پرورش دینی

در تربیت اطفال یک سلسله از مراقبت‌هاست که از مرحلهٔ گزینش همسر، روابط زناشویی و انتقال نطفه، دوران بارداری و زایمان باید صورت گیرد که فعلاً مورد بحث ما نیست (به کتاب نظام حیات خانواده از نگارنده مراجعه شود).

بخشی از آن مربوط به اجرای مراسم اسلامی در هنگام تولد و هفته‌های اول است، مثل مراسم اذان و اقامه، تراشیدن موی سر، ختنه، عقیقه، غسل مولودیه و ... است (به کتب روایی مراجعه شود، مثل مکارم الاخلاق، وسایل الشیعه، ج ۱۴-۱۵، ۱۶ و ...).

قسمتی از مراقبت‌ها مربوط به رعایت حقوق اسلامی کودک است (به کتاب زمینهٔ تربیت از نگارنده مراجعه شود).

اما در آن چه مربوط به آگاهی‌های دینی، آموزش‌ها و پرورش‌هاست، باید به موارد زیر توجه شود:

۱- سجد اشناسی: که مقدم بر هر آموزش است و در آن سعی بر این است که فطرت خدا آشنای کودک تحریک و بهجت شود و از زمانی که طفل به بیان آغاز کرده، کتب توحید را به او القا کنیم (کتاب‌های ۱ تا ۳). پس از آن رسول خدا افرمود نخستین کلمات آموزش‌دهنده لاله‌الله باشد (همان، ص ۱۴۱) و تدریجاً باید به او فهماند که خداوند سرمدشنا هستی هم‌پدیدهاست و زندگی و مرگ و عزت و کمال مایهٔ امضای اوست.

۲- پیامبر شناسی: به کودک باید تفهیم شود که پیامبران از جنس بشرند، مصون از خطا و لغزش‌اند، دوستدار مردم و خواستار سعادت آن‌هایند، سفیر حضرت پروردگارند و برای آگاه‌سازی بشر از راه و رسم زندگی، از جانب او برانگیخته شده‌اند. عدهٔ آنان را در طول تاریخ تا ۲۷۰ هزار نفر نوشته‌اند (صدوق اکمال‌الدین) و آخرین آنان پیامبر ما حضرت محمد (ص) است که آورندهٔ شریعتی کامل برای بشر تا روز انقراض نسل بشر است و پس از او پیامبری نخواهد آمد.



۳- معرفی اسلام: دینی که خداوند در طول تاریخ برای بشر در نظر گرفته اسلام است و معنی اسلام تسلیم

شماره ۳۴۸



نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی

# وفاقی آخری حصہ و فتا علی باب النار

در برابر امر و نهی خداوندی است که آفریدگار ما و جهان هستی، و عالم قادر، زنده و بیدار است. این که امروز دین مسیح یا یهود را اسلام نمی خوانیم، بدان علت است که خائنان در آن دستکاری کرده و مباحث انحرافی را در آن وارد ساخته اند، کتاب تورات حضرت موسی و انجیل حضرت عیسی در عصر ما همان نیست که در آن روزگار بوده است.

۴- کتاب الله: باید به کودک فهماند که دستور العمل زندگی ما در کتابی است که قرآن نام دارد و در آن سخن از باید ها و نباید های زندگی است. خداوند چه چیزهایی را به ما دستور عمل داده و از چه چیزهایی نهی کرده است.

۵- امام ما: خلیفه: او باید بداند که پیامبر نیز به مانند دیگر انسان ها زنده است ولی قبل از مرگ، جانشینان خود را معرفی کرد است که ما آنان را امام یا خلیفه پیامبر (یعنی جانشین او) می خوانیم. کار امام هدایت مردم و آگاه کردن مردم است به مباحثی که در قرآن به صورت خلاصه و مختصر ذکر شده است. اطاعت از آنان همانند اطاعت از خدا و پیامبر است، زیرا آنان نیز برگزیده خدا و معصوم اند. عدد آنان در اسلام ۱۲ نفر است.

۶- تعالیم اسلامی: باید تدریجاً کودک را به تعالیم اسلام از نماز، روزه، حج، جهاد، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع آگاه کرد و وظایف مردم را در ارتباط با این تعالیم به آنان آموخت.

۷- تدابیر اجرایی: باید به کودک تفهیم کرد که اسلام برای بدکاران کیفر و برای نیکوکاران پاداش معین کرده است. بین فرد پاک و ناپاک، امین و خائن فرق گذاشته است، برای برخی از بدکاران در دنیا تازیانه و در قیامت آتش جهنم معین کرده است (البته بحث جهنم و عذاب آن را تا سن ۷ و ۸ به کودک نمی گوئیم. تا این سن همه جا بحث از رحمت و عنایت خداوند است).

۸- میثاق ها: به کودک تفهیم می کنیم که خدا، پیامبر، امام، قرآن و ... را مقدس بداند و نام آنان را به احترام یاد کند، حتی اجازه ندهند برخی از قرآن بر روی زمین بیفتد یا خدای ناخواسته به خدا و پیامبر و امام اهانتی شود. دستورهای خدا را عمل کند و عیب او باشد (آیه ۹۲، سوره مريم). پای بند به نماز و بعد نماز وضو و غسل باشد (وسایل الشیعه، ج ۱۵).

## در طریق وصال به این اهداف

- در طریق وصول به اهداف به کوبه زیر عمل باید کرد:
- از طریق آرایه الگو، که شاهد از بهترین روش های تربیتی است.
- واداشتن به تمرین امور عبادی چون نماز، از همان سنین خردسالی به همراهی پدر و مادر.
- تذکر و القا، که خود از روش های بنیم تربیتی است.
- همراه کردن کودک در رفتن به مجالس و محافل تا خود شاهد عمل

- مسلمین باشد و چیز بیاموزد.
- تجارب مذهبی ارتباط کامل دارد به آن چه کودک در خانه، مدرسه و جامعه می آموزد.
- پاسخ دادن به سوالات و شبهه های مذهبی در عمر و سطح استطاعت او (ص ۱۲، دانش مسلمین).
- استفاده از تشویق برای ملکه ساختن اجرای صحیح تعالیم دینی (ص ۴۰، نسل نوحاسته).
- بهره گیری از هنر صوت در قرانت و تلاوت، و زیبایی های طبیعت در عرصه خداشناسی و خدا دوستی.
- توجه به سه رکن پرورش دینی که عبارتند از: انگیزه سازی، حرکت و نیل به هدف.
- تأکید بر پرورش ایمان که اساس آن قول و عمل اخلاص است. ج ۱، ص ۱۵۳.
- به ویژه در سنین تمیز و نوجوانی.
- مراقبت در این امر که کودک را در دین و عمل دینی خسته نکنیم (ص ۶۲، تعلیم و تربیت کانت).
- استفاده از نمایش ها، تابلوی اطلاعات، گردش علمی، پرسش های فطری، آگاه کردن به نظم در آفرینش، تحریک عواطف دینی از طریق ذکر داستان های مذهبی و آسان کردن راه عبادت انچه البلاغه ۱.
- پرهیز از سخنگیری در دین، که به نظر ما ضروری است همه محبت خود را در یک کپسول قرار دهیم و در راه تربیت دینی آن را در حلق کودک بریزیم.
- دلگرم کردن کودک به مهر و محبت خدا و اقتناع عاطفه و عقل او در راه خداوند.

## در رعایت سن

بر اساس روایات ما، تربیت دینی ما توجه به سن فرزند باید به صورت زیر انجام شود: در سه سالگی آموزش کلمه توحید به او، در ۵ سالگی آموزش شهادت به رسالت پیامبر، در ۷ سالگی آموزش درود بر پیامبر، در ۶ سالگی آگاه کردن او به دست چپ و راست، در همین سنل بیدار سازی او برای سحری خوردن و انس با خلوت شب، در ۷ سالگی تمرین روزه به صورت نصف روز، در ۸ سالگی تمرین وضو، در ۹ سالگی آموزش غسل جمعه و ... (بخارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۱۲)، آموزش احکام در سنین بلوغ، آشنایی تدریجی با آنان، اقامه، قنوت جمع کردن نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء برای آسان کردن عبادت و وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۳). و بالاخره با رعایت اصل تدریج، کودک را به گونه ای می توان بار آورد که در سنین بلوغ به مسائل دینی به صورت نسبی آگاه و بدان عامل باشد.

